

مصادق‌شناسی «کلمات» در آیه ابتلا

کلیه علی راد / استادیار دانشگاه تهران

پریسا عطایی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۶

چکیده

در آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...» (بقره: ۱۲۴) از ابتلائات حضرت ابراهیم علیه السلام با تعبیر «کلمات» یاد شده است. تبیین نسبت آزمون کلمات با ابتلائات ابراهیم علیه السلام، طبقه‌بندی انواع آن در الگویی منطقی و توجیه‌پذیر و تاریخ‌گذاری رخداد آنها در سیره ابراهیم علیه السلام از جمله مسائل بنیادین در بازشناسی «کلمات» است که در تبیین مراد خداوند، پاسخ به آنها ضرورت دارد. مقاله حاضر پس از ارائه معیار قرآنی ابتلا و مؤلفه‌های آن، آیات زندگی ابراهیم علیه السلام را بازخوانی کرده و ضمن بررسی رویکرد مفسران فریقین به ابتلائات ابراهیم علیه السلام به نسبت‌سنجی، گونه‌شناسی و تاریخ‌گذاری کلمات پرداخته و به تقریری جدید از نظریه تفسیری ابتلائات ابراهیم علیه السلام دست یافته است. نکات مستفاد از آیات و روایات موضوعی ابتلا و بازیابی مؤلفه‌های ابتلا در رویدادهای زندگی ابراهیم علیه السلام و چینش تاریخی آنها بیانگر ابتلای ابراهیم علیه السلام به آزر، اعلام برائت، بت‌شکنی، طاغوت زمانه، افکنده شدن در آتش، تبعید، رهایی خانواده در بیابان مکه و قربانی فرزند است.

کلیدواژه‌ها: آیه ابتلا، ابتلا‌پژوهی، مصادق‌شناسی کلمات، تاریخ‌گذاری ابتلائات.

درآمد

آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴) از ابتلای ابراهیم علیه السلام با «کلماتی» یاد می‌کند که راهیابی وی به مقام امامت را به دنبال داشته است. ارتباط این آزمون با تحقق امامت، در برخی از پژوهش‌های کلامی کانون توجه بوده است (اسعدی، ۱۳۸۹؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹-۱۵). در تفسیر قرآن نیز تلاش‌های پراکنده با رویکردهای متنوع ادبی و روایی در تبیین مفهوم و مصادق این کلمات صورت گرفته است. روایات و اقوال صحابه، تابعان و پیروان آنها، به شکل‌گیری آرای گوناگون در تحلیل ابتلائات ابراهیم علیه السلام در میان مفسران فریقین (نجاززادگان، ۱۳۹۰، ص ۵۳) و محدثان (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۶) انجامیده است؛ برخی از نویسندگان معاصر نیز با یادکرد «الكلمات الابراهيميه العشر في القرآن الكريم» (آصفی، ۱۴۱۹)، محورهای کلی ده‌گانه‌ای برای امتحانات ابراهیم علیه السلام ارائه کرده‌اند. پژوهش‌های یادشده صرفاً به دنبال تبیین مدلول و مقصود از کلمات بوده و نگاه فرامتنی و تحلیل تاریخی نسبت به این حادثه نداشته‌اند. فقدان رویکرد پدیدارشناختی در تبیین ماهیت کلمات، عدم طبقه‌بندی منطقی از انواع آن، و عدم تحلیل سیر تاریخی پدیداری آنها در ابتلای ابراهیم علیه السلام از جمله کاستی‌های پژوهش‌های مزبور است. از این‌رو هنوز مسائل پرشماری فراروی محققان در این تحلیل قرار دارد که پژوهش حاضر به بخشی از آنها می‌پردازد:

۱. مقصود از «کلمات» صرفاً باورهایی از سنخ اعتقاد قلبی است که ابراهیم علیه السلام آنها را بر زبان رانده یا ناظر به واقعیت‌ها و حوادثی بوده که در زندگی وی رخ داده است؟ رهیافت‌های رایج میان مفسران در پاسخ به این پرسش چیست و رهیافت معیار کدام است؟
۲. تقریر وجه آزمون بودن کلمات در ابتلائات ابراهیم علیه السلام چیست؟
۳. تعداد و انواع کلمات در ابتلای ابراهیم علیه السلام چه بوده و آیا می‌توان طبقه‌بندی ویژه‌ای از انواع آنها بر اساس داده‌های قرآنی و روایی ارائه کرد؟
۴. دوره پدیداری کلمات در زندگی ابراهیم علیه السلام چگونه بوده و آیا امکان تاریخ‌گذاری اجتهادی این حوادث وجود دارد؟

پرسش نخست در بخش دوم، پرسش‌های دو و سه در بخش سوم و پرسش چهارم در بخش پایانی مقاله بررسی و پاسخ داده شده است. روش پژوهش در این مقاله اکتشافی - تحلیلی است و با رویکرد تحلیل فرامتنی به تبیین کلمات در آیه ابتلای ابراهیم علیه السلام پرداخته‌ایم و هدف از این کار، پیشنهاد روشی جدید در ابتلا‌پژوهی انبیا در قرآن است. برای تحقق این هدف ساختار اصلی مقاله را با نظمی

ویژه پرداخته‌ایم تا در پایان به نتایجی مشخص در پاسخ به پرسش‌های سه‌گانه دست یابیم. پیش از ورود به بحث، دو مفهوم اصلی مقاله یعنی ابتلا و کلمات را تبیین می‌کنیم.

مفاهیم پژوهش

ابتلا

واژه ابتلا از ریشه بلا، در لغت به معنای فرسودگی و کهنه کردن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹۲) که در معنای امتحان و آزمایش (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۴۰؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۵؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۲) نیز به کار می‌رود. از آن‌رو که ویژگی‌های اشیا پس از فرسوده شدن آنها آشکار می‌شود، امتحان را ابتلا گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۵). هر فرسودگی‌ای توأم با تغییر است؛ لذا چنان‌که برخی از کاربرد قرآنی این واژه در آیه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان: ۲) نیز برداشت کرده‌اند، معنای حقیقی واژه ابتلا، پدید آوردن دگرگونی و ایجاد تحول برای به دست آوردن نتیجه مورد نظر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۲۱) و معنای اختبار و امتحان از مفاهیم التزامی و پیامدهای آن به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۱۶). ابتلا در اصطلاح متکلمان (دغیم، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۴)، عرفا (کاشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۲۶) و مفسران (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۷۳) به معنای آزمایش و سنجش به کار رفته است. در قرآن کریم نیز، واژه «بلو» و مشتقات آن، ۳۸ بار در ۲۵ سوره قرآن ذکر شده که در این میان، ابتلا و سایر صور آن (از باب افتعال) ده بار (برای نمونه، رک: بقره: ۲۴۹؛ آل عمران: ۱۵۲؛ نساء: ۶) به کار رفته است. در نگره قرآنی، ابتلا و واژه‌های همگون آن بیانگر نوعی تربیت عام الهی و شیوه حکیمانه در آزمودن انسان‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۸۴ و ۸۳) که با قرار دادن هر فرد در بستر حوادث گونه‌گون و با هدف رسیدن به کمال درخور او (یوسفی مقدم، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۶۵)، صفات باطنی وی - اعم از فضایل و رذایل - را از طریق عملکردش ظاهر می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۶) و بستری برای تکامل و یا انحطاط اختیاری وی فراهم می‌آورد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۴۳۸). آیات بیانگر سنت ابتلا، بر سه گونه معرفتی ماهیت، راهبرد و غایت ابتلا دلالت دارد. ظاهر آیه «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» و

یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید (نساء: ۶) ماهیت سنجش‌مدار ابتلا را به روشنی نشان می‌دهد؛ چنان‌که آیات «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفَكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»؛ کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: «من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم». پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید، گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم. و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گردد، و هر کس ناسپاسی کند، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است (نمل: ۴۰)» و «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْخَلَائِفَ الْأَرْضَ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد، و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. آری، پروردگار تو زود کیفر است، و [هم] او بس آمرزنده مهربان است (انعام: ۱۶۵) از حقیقت آزمون ابتلا نسبت به عطایای الهی پرده برمی‌دارد. لذا این طایفه از آیات را می‌توان مبین چیستی ابتلا (سنجش) در نظر گرفت (آیات آل عمران: ۱۸۶، مائده: ۹۴ و ۹۵، اعراف: ۱۶۸، نحل: ۹۲، انبیاء: ۳۵ و دخان: ۳۳ از این دسته‌اند).

دسته دوم آیات، نشانگر چگونگی تحقق ابتلاست. آیات «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»؛ اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعا] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد (آل عمران: ۱۴۰ و ۱۴۱) با بیان سنت مداوله ایام (که به معنای انتقال پیدا کردن با حصول تحول در کیفیت یا حالت و دست به دست گرداندن است) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۵۲)، ابزار تحقق تمحیص را (که از واژگان جانشین ابتلاست) (جوهری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۹۰) تحول‌آفرینی می‌دانند. سایر آیات این نوع، با بیان تبدل در مراحل خلقت بشر (انسان: ۲)،

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۹) نیز به کلمات تعبیر شده است (برای نمونه، آل عمران: ۴۵؛ لقمان: ۲۷) که نشان می‌دهد «کلمه» در بردارنده معنای جامعی است که هم بر لفظ معنادار و هم بر عین خارجی اطلاق‌پذیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۱۸). از این رو به نظر می‌رسد کلمه در حقیقت به معنای آشکارسازی نهان (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۳۹) و ابراز «ما فی الضمیر» با هر وسیله ممکن است و به تناسب افراد و موارد مختلف، معانی و مصادیق پرشمار خواهد داشت (مصطفوی، ۱۳۳۸، ج ۱۰، ص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۱۸). چنان‌که در ادامه خواهیم دید، کاربرد دوگانه لفظ و عین خارجی، بر آرای تفسیری مفسران در تبیین ماهیت کلمات ابراهیمی نیز مؤثر بوده است.

ماهیت کلمات در رهیافت‌های تفسیری

بر اساس دلالت ظاهر آیه ابتلای ابراهیم ﴿ (بقره: ۱۲۴)، ابتلائات ابراهیم ﴿ همان «کلماتی» است که وی بدان آزموده شده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۱). در مکاتب تفسیر روایی و اجتهادی با گرایش‌های متنوع آن در میان شیعه و سنی، تبیین متفاوت از مدلول کلمات در این آیه ارائه شده است که در ادامه به تحلیل و ارزیابی هر یک از این رهیافت‌ها می‌پردازیم.

رهیافت روایی

تفاسیر در رهیافت روایی، به گزارش روایات، اقوال صحابه و تابعان مرتبط با کلمات یادشده در ابتلای ابراهیم ﴿ بسنده کرده‌اند و دست به نقد یا گزینش آرا نزده‌اند. هرچند تفاسیر متأثر فریقین در رتبه نخست این رهیافت قرار دارند، گاهی در تفاسیر غیرروایی نیز شاهد این رهیافت هستیم (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۴؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۳).

الف) روی‌دادهای عینی

روایتی مرسل از امام صادق ﴿ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۷) در منابع شیعی و اقوال صحابه و تابعین در منابع اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶)، مصداق کلمات را حوادثی ویژه در زندگی ابراهیم ﴿ دانسته‌اند که در اقسام چهارگانه ذیل قابل بررسی است:

۱. فراز و نشیب‌های زندگی ابراهیم ﴿: برابر روایت امام صادق ﴿ منظور از «کلمات»، ابتلای ابراهیم ﴿ به ذبح اسماعیل ﴿ است؛ چنان‌که اقوال صحابه و تابعان حاکی از ابتلای ابراهیم ﴿ به ستاره، ماه و خورشید،

دگرگونگی شرایط در جنگ (آل عمران: ۱۵۲؛ احزاب: ۱۱؛ محمد: ۴)، تغییر در شرایط زندگی بنی‌اسرائیل با اجرای فرمان قتل فرزندان و اسارت زنان (بقره: ۴۴)، نمایاننده مسیر تحقق ابتلا (تغییر) است (نمونه‌های دیگر: بقره: ۱۵۵ و ۲۴۹؛ اعراف: ۱۶۳).

دسته سوم نیز به تصریح یا تلویح حکایتگر غایت ابتلا، یعنی تکامل است. لام تعلیل (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۹۷) در آیه «لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَكَيْمَحْصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (آل عمران: ۱۵۴) در یادکرد از خلوص به منزله هدف ابتلا، جنبه تعالی محور آن را یادآور می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۶۴۱). افزون بر آن، آیاتی که هدف از ابتلا را عملکرد برتر (هود: ۷؛ کهف: ۷؛ ملک: ۲) یا آگاهی‌بخشی به جوهره آدمی (محمد: ۳۱) می‌دانند، به دلالت التزامی غایت تکامل‌گرای سنت ابتلا را گوشزد می‌کنند.

براین‌اساس در این مقاله تعریف معیار از ابتلا که برابندی از مدالیل ظاهری آیات، روایات تفسیری و انظار مفسران فریقین است، عبارت است از: رخدادی تحول‌آفرین و هدفمند که به منظور سنجش عملکرد موجود مختار صورت می‌گیرد و به شکوفایی استعدادها و بالقوه وی (تعالی) یا پرده‌برداری از ضعف و خلل وجودی او (تسافل) می‌انجامد. با توجه به این تعریف، مؤلفه‌های سه‌گانه ابتلائات انبیا، سنجش (ماهیت ابتلا)، تحول (راهبرد) و تعالی (غایت) است. از این رو برای شناسایی ابتلای انبیا باید نخست با اتکا بر این تعریف به بازخوانی داستان پیامبران پردازیم و با تحلیل شرایط فراروی ایشان در هر رویداد، رخدادها و منطبق با مؤلفه‌های ابتلا را به منزله آزمونی برای آن پیامبر در نظر گیریم.

کلمات

«کلمات» جمع واژه «کلمه» در لغت به معنای لفظ و قول است که گوینده برای القای مراد خویش آنها را در قالب اصواتی بر زبان می‌راند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۳۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۲۲-۵۲۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۳۹). ریشه دیگری نیز برای این واژه بر شمرده‌اند که به نظر می‌رسد با معنای نخست قابل جمع است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۷۸). در قرآن کریم نیز، ریشه «کلم» ۴۶ بار و در ساختارهای گوناگونی چون کلمه، کلمة الله، الکلم و کلمات به کار رفته است (شفیع‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰). بنا بر بررسی معناشناختی این واژه، در نظام معنایی قرآن «قول» غالب‌ترین گونه معنایی کلمه است که هم به خدا (برای نمونه، نساء: ۱۶۴) و هم به انسان (برای نمونه، مریم: ۲۶) نسبت داده شده است (شفیع‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۲۲). از دیگر سوی در قرآن کریم از موجودات امکانی و اعیان خارجی

فراق قوم، محاجه با نمرود، افکنده شدن در آتش، هجرت، اختتان، مهمان‌نوازی و صبر بر آن با مال و جان و قربانی کردن فرزند است (طبری، همان، ص ۴۱۶)؛

۲. مطهرات دهگانه: کوتاه کردن شارب، مضمضه، استنشاق، مسواک زدن، باز کردن میان موی سر، ناخن گرفتن، ختنه کردن، ستردن موی زاید، چیدن موی زیر بغل و شستن موضع بول و غایط با آب (همان، ص ۴۱۵؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۴)؛

۳. احکام سی‌گانه: رکوع، سجود، امر به معروف، نهی از منکر، حفظ حدود الهی و... که در آیات ۱۱۲-سوره توبه، ۱-۹ سوره مؤمنون، ۳۵-سوره احزاب و ۲۳-۳۴ سوره معارج بیان شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۴)؛

۴. تکالیف خاص: امامت، تکمیل بنای کعبه، مناسک حج، دعا برای بعثت پیامبر آخرالزمان (همان).

ب) عبارات لفظی

بر اساس شماری از روایات شیعی، مقصود از کلمات، الفاظی شامل اسمای الهی^۱ و اسامی اهل‌بیت^۲ است که خداوند آنها را بر ابراهیم^۳ عرضه کرد.

ارزیابی

این رهیافت در تعیین جنس «کلمات» ابتلای ابراهیم^۳، دربردارندهٔ اختلاف است. بر اساس مفاد روایات شیعی در تبیین مصداق کلمات (فارغ از اعتبارسنجی آنها) ابتلائات ابراهیم^۳ در دو سنخ فعلی و لفظی قابل بررسی است. سنخ فعلی ناظر بر رخدادهای زندگی ابراهیم^۳ است که در نمونهٔ ذبح فرزند بدان تصریح شده و سنخ لفظی ناظر بر اسامی خاص است که ظاهر آیه دلالتی بر آن ندارد و نشان از تبیین کلمات در سطح تأویلی آیه دارد. در غالب اقوال صحابه و تابعان نیز «کلمات»، مفهومی متناسب با وظایف نبوت ابراهیمی و مناسک^۴ و احکام خاص عبادی و شرعی^۵ دارد و بعد ابتلائی آن کمتر برجسته شده است؛ مگر اینکه با تسامح، تکالیف و مناسک ابراهیمی را نوعی ابتلا برای وی بدانیم. از این رو با توجه به تأویل‌گرایی روایات ناظر بر سنخ لفظی کلمات و ضعف اسناد و مصادر برخی از آنها (برای آگاهی از نقد و بررسی این روایات، رک: نجارزادگان، ۱۳۹۰، ص ۵۳-۵۹)، ضعف سندی (ارسال) روایت بیانگر این‌همانی کلمات با ذبح اسماعیل^۶، تردید در انتساب آن به معصوم (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۳)، و ناسازگاری کاربرد «کلمات» به صورت جمع با تک‌مصدق قربانی فرزند (رشیدرضا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۵۴)، نقدهای وارد بر وجوه سنن طهارت، خصال سی‌گانه و تکالیف خاص (برای آگاهی از نقد نظرات بیان

شده، رک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۳۰-۴۳۲؛ رشیدرضا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۵۳-۴۵۵؛ معارف، ۱۳۹۱، ص ۴۳-۴۴)، عدم اظهار نظر تحلیلی و اجتهادی، عدم ارائهٔ وجه جامع برای انواع کلمات، عدم تبیین نسبت هر یک از این موارد با ابتلائات ابراهیم^۳، اجتهادی بودن اقوال صحابه و تابعان و... این رهیافت شایستگی نظریهٔ معیار در این مسئله را ندارد. البته ادعای وجود نوعی اجتهاد پنهان در گزینش روایات تفسیری در تفاسیر مأثور فریقین (ذیل آیهٔ ابتلای ابراهیم^۳) چندان بعید نیست؛ لکن مقصود ما اجتهاد مفسرانه در تبیین مدلول آیه است.

رهیافت اجتهادی

در رهیافت اجتهادی، مفسران بر اساس مبانی کلامی و نظریهٔ تفسیری ویژهٔ خود نوعی گزینش یا وجه جمع میان روایات و اقوال تفسیری ارائه کرده‌اند که آنها را می‌توان در سه رویکرد ترجیح، جمع و پذیرش عام خلاصه و دسته‌بندی کرد.

ترجیح

مفسرانی از اهل سنت از میان اقوال صحابه، ابتلای ابراهیم^۳ به اجرام آسمانی (الارمی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵۳)، افکنده شدن در آتش (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۰۸)، احتجاج با نمرود (همان)، بیرون رانده شدن از زادگاه (همان)، مهاجرت (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸۴)، ختنه کردن (همان)، سنن طهارت (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۸؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸۴) و تکالیف بیان‌شده در ادامه آیه (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶۲) را برگزیده‌اند. برخی از مفسران شیعی نیز، متأثر از روایات تبیین کلمات به اسامی، ابتلائات ابراهیم^۳ را عباراتی لفظی می‌دانند که فراز بعدی آیه یعنی «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» می‌تواند ناظر بر مفهوم آن باشد (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۲۶). غالب مفسران شیعی، ابتلائات ابراهیم^۳ را برخی از رویدادهای زندگی وی دانسته و مصادیق آن را مواردی چون ابتلا به پدرش آزر (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۵)، مشرکین (همان)، اجرام آسمانی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰؛ شبر، ۱۴۱۲، ص ۵۸)، مبارزه با بت‌پرستان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۳۲)، شکستن بت‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰)، افتادن در آتش (همان)، احتجاج با نمرود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۵؛ جوادی آملی، همان)، بیرون رانده شدن از زادگاه (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۴)، مهاجرت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰)، استقامت در عبودیت به‌تنهایی (مصطفوی، ۱۳۸۰،

فراز و نشیب‌ها و پیشامدهای زندگی موسی (طه: ۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۲)، داوود (ص: ۲۴) و سلیمان (ص: ۳۴) با عنوان «ابتلا» و «فتنه» و تصریح بر آزمون‌بودگی جریان دعوت الهی نوح (مؤمنون: ۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱)، تسدید قرآنی بر گونه رویدادی در ابتلائات ابراهیم است. افزون بر این، از میان آرای یادشده در تبیین ماهیت ابتلائات ابراهیم، تنها گونه رخدادهای زندگی اوست که توسط بیان هدفمند قرآن در مقاطعی از زندگی ابراهیم و شخصیت او قابل بازیابی است، و دیگر آرا از ظواهر آیات سیر زندگانی ابراهیم، قابل برداشت نیستند. همچنین سایر نظرات فاقد قابلیت تطبیق با آیات بیانگر مصادیق ابتلائات بشری‌اند، در حالی که گونه رویدادی ابتلائات (چنان‌که در بخش بعد خواهیم دید) با استناد به سیاق آیات و سوره، بهره‌گیری از روش قرآن به قرآن و تفسیر موضوعی، با آیات مبین سنت ابتلا مطابقت دارد؛

۲. فراوانی مستندات روایی از اهل بیت: گفتار معصومین در باب ابتلای انسان‌ها به‌ویژه ابتلای انبیا (اعم از بیان مصادیق، شیوه رویارویی، تبیین ماهیت و غایت آن) درک انواع ابتلائات پیامبران را میسر می‌سازد. چنان‌که در ادامه خواهیم دید، دلالت صریح یا ضمنی روایات بر ابتلا بودن برخی امور و مصادیق‌یابی آنها در زندگی حضرت ابراهیم، شماری از ابتلائات ایشان را روشن می‌سازد؛

۳. شهرت تفسیری در میان مفسران امامیه: چنان‌که در رویکرد ترجیح بیان شد، بیشتر مفسرانی که در تبیین مصادیق ابتلائات ابراهیمی اظهار نظر کرده‌اند، رخدادهایی در زندگی وی را از جمله ابتلائات او دانسته‌اند؛

۴. تناسب معقول با مقام امامت ابراهیم: توجه به شخصیت ابراهیم، گویای تناسب وجه رخدادی ابتلائات با مقام امامت است. برابر سیاق قرآنی، آغاز یادکرد قرآن از زندگی ابراهیم، از دوران نبوت اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ لذا ابراهیم، هنگام ابتلا به آزمون‌های الهی نبی الهی، معصوم و موظف به تکالیف نبوت است. از دیگر سوی، بنا بر آیات و روایات^۵ نوع ابتلای افراد متناسب با منزلت و سعه وجودی آنهاست. همچنین بر اساس ظاهر آیه ۱۲۴ بقره، سرفرازی ابراهیم در ابتلائات، نردبان تعالی او از نبوت به امامت بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۵). لذا با در نظر گرفتن وجود تناسب در ابتلا و جزای آن (مقام امامت) در کنار موارد یادشده، می‌توان گفت ابتلائات ابراهیمی باید درخور شأن نبی الهی و زمینه‌ساز شاخصه‌های امام (مانند صبر و یقین)

ج ۲، ص ۱۴۴)، زن بدخو و بهانه‌جوی (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۰ و ۲۹۱)، اسکان ذریه در بیابان مکه (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۷)، تکمیل بنای کعبه در بیابان (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۴۴؛ طالقانی، همان)، مناسک حج (شبر، ۱۴۱۲، ص ۵۸)، سنن طهارت (همان؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷۴)، مهمان‌نوازی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۳۲)، انابه و تضرع (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۴)، توسل به اهل بیت (همان) و دعا‌های ابراهیم (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۳۶) دانسته‌اند.

جمع

برخی از مفسران معاصر شیعه، سنخ لفظی و فعلی کلمات را قابل جمع دانسته‌اند. در این دیدگاه، ابتلائات ابراهیم متضمن هر دو گونه رویدادها و عبارات لفظی است، چه آنکه هر ابتلا شامل استماع امر (لفظ) و تسلیم در انجام (رویداد عینی) است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷).

پذیرش عام

اندک مفسرانی با توجه به عدم وجود روایت صحیح و اجماع، ضمن چشم‌پوشی از قطعیت نظر در تعیین معنای «کلمات»، قایل به جملگی آرا هستند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷؛ ابوحنیفان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۰۱).

ارزیابی

رویکرد اجتهادی «ترجیح» با تأکید بر فعلی بودن سنخ کلمات طرف‌داران بسیاری در میان شیعه و سنی دارد و گویی رویکرد جمهور مفسران است. هرچند که ابتلائات ابراهیم در هر دو سنخ لفظی و فعلی قابل بررسی است و پذیرش هر یک نافی دیگری نیست، با توجه به تعریف معیار از «ابتلا» و تصریح قرآن به آزمون ابراهیم با ذبح فرزند (صافات: ۱۰۲) که ناظر بر رخدادی در زندگی اوست، این رهیافت، ظرفیت مناسبی برای تحلیل آزمون‌های ابراهیم دارد. از این رو همین نظر را به‌عنوان معیار در مفهوم «کلمات» در این مقاله برگزیدیم. مهم‌ترین ادله اعتبار این رهیافت عبارت‌اند از:

۱. هماهنگی با سیاق قرآنی داستان ابتلائات ابراهیم: تصریح قرآن به آزمون ابراهیم با ذبح فرزند (صافات: ۱۰۲) - که ناظر بر رخدادی در زندگی اوست - نشانه‌ای در پی‌جویی ابتلائات ابراهیم در میان رویدادهای زندگی او به دست می‌دهد؛ چنان‌که تأمل بر یادکرد قرآن از برخی

اشاره آیات ۴۳-۴۷ سوره مریم بر خطاب مکرر آزر با لفظ «یا ایت»، بیان سلام و وعده استغفار در مقابل تهدید، حاکی از محبت و احترام ویژه ابراهیم^ع به اوست. با این وجود نگرانی آزر از تزلزل در منزلت دینی - سیاسی - اجتماعی وی (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۸) سبب مشکل‌آفرینی در روند دعوت ابراهیم^ع شد؛ آن‌گونه که دستاویزی برای تمسخر ابراهیم^ع و عدم پذیرش دعوت او گردید (ابن‌واضح یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۳). خود او نیز در برابر خطاب محبت‌آمیز ابراهیم^ع، ابراهیم^ع را طرد و تهدید به سنگسار کرد (مریم: ۴۶). لذا دعوت آزر، به تغییر شرایط زندگی ابراهیم^ع از کانون مهر به دشمنی و طرد از خانواده انجامید و ابراهیم^ع را در تقابل میان مهر آزر به منزله پدر^۱ و قهر الهی قرار داد. افزون بر آنکه واکنش آزر، یادآور این فرموده رسول الله^ص است:

إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَىٰ بِلَايَا أَرْبَعٍ، أَشَدُّهَا عَلَيْهِ: مُؤْمِنٌ يَقُولُ بِقَوْلِهِ يَحْسُدُهُ... أَوْ كَافِرٌ يَرَىٰ جِهَادَهُ، فَمَا بَقَاءُ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ هَذَا؟!؛ خدا از مؤمن برای چهار بلا پیمان گرفته که سخت‌ترین آنها عبارت است از: مؤمنی هم‌عقیده او باشد و بر او حسد ورزد... یا کافری که جنگ با او را خواهد، پس با این گرفتاری‌ها مؤمن چه اندازه عمر کند [از ایمانش باقی ماند]؟! (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۶۲۷)

این حدیث بیانگر ابتلای مؤمن به کافر ستیزه‌گر است و آزر را در جلوه آزمونی برای ابراهیم^ع می‌نماید. رفتار حضرت ابراهیم^ع، واکنش آزر در جریان دعوت ابراهیم^ع، صدق نبوت و میزان حق‌مداری ابراهیم^ع را در تقابل با مهر آزر نشان می‌دهد؛ تقابلی که به تعالی وی انجامید (مریم: ۵۰).

رهایی خانواده در بیابان

ابراهیم^ع فرمان یافت (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۱) تا ذریه خود را در بیابان مکه سکونت بخشد (ابراهیم: ۳۷-۳۸) و به محل زندگی خویش بازگردد. بنا بر مصادیق ابتلا در آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۵۵) نقص ثمره با فقدان فرزند و ترس از سرنوشت و آبروی خانواده (احتمال آزار اغیار)، نشانی بر آزمون‌بودگی رهایی همسر و فرزند در بیابان مکه برای ابراهیم^ع است؛ چنان‌که توصیف وی از فضای واگذاری اسماعیل و هاجر (إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ)، دعا برای رفع کمبودهای آن (فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ) (ابراهیم: ۳۷) و بیان تفویض امر به علم الهی (رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ) (ابراهیم: ۳۸) حاکی از اضطراب طبیعی و شرایط سخت برای خانواده اوست و فرمایش امام صادق^ع در استجاب دعا، هنگام ابتلا را یادآور می‌شود: «إِذَا اللَّهُمَّ أَحَدَكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۳۰۸). وانگهی تأمل بر این

(سجده: ۲۴) باشد و افزون بر ساحت فردی، با وظایف رسالت و ساحت اجتماعی نیز مرتبط باشد؛ چراکه اقتضائات اکتسابی منصب امامت (که جنبه‌ای اجتماعی نیز دارد) از طریق گذر از ابتلائات فردی و اجتماعی فراهم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۲۷). از این رو تنها نوع رخدادی ابتلائات با ویژگی‌های نام‌برده مطابقت دارد.

طبقه‌بندی و نسبت آزمونی کلمات

با توجه به نظر بیشتر مفسران امامیه و اهل سنت در تبیین «کلمات» به رویدادهای عینی، و با ابتنا بر تعریف ارائه‌شده از ابتلا و مؤلفه‌های آن (سنجش، تغییر و تعالی) ابتلائات قرآنی ابراهیم^ع را بر اساس بستر وقوع آنها می‌توان به دو گونه فردی و اجتماعی تقسیم کرد. در این بخش ابتلائات ابراهیم^ع در گونه‌های یادشده صرف‌نظر از سیر تاریخی وقوع آنها واکاوی می‌شوند و به دنبال هر ابتلا «وجه آزمونی» آن نیز تقریر می‌گردد.

ابتلائات فردی

ابتلائات فردی ناظر بر ابتلائاتی‌اند که تنها در گستره ارتباطات فردی و زندگی شخصی ابراهیم^ع نمود یافته‌اند که عبارت‌اند از:

آزر بت‌تراش

آزر منجم، وزیر و مشاور نمود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۰۸)، بت‌تراش و بت‌فروش بود (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۸) و نامش برگرفته از نام بتی بود که تنها بزرگان خود را بدان می‌نامیدند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۷). ریاست بر بت‌کده شهر (کانون قدرت و ثروت) و نگهبانی از آن، وی را در جایگاه مرجعیت مذهبی قرار داده بود؛ چنان‌که هیچ‌یک از مردم (حتی نمود) جز بتی را که به نشان آزر مهر شده بود نمی‌پرستیدند و جای‌گزینی برای او پس از مرگ متصور نمی‌دانستند (ابن‌منظور، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۴۶). اگرچه ابراهیم^ع به سبب پیش‌گویی منجمان مبنی بر ولادت مصلحی الهی و دستور کشتن اطفال به منظور دفع خطر از حکومت، پنهانی و در منطقه‌ای دور از شهر متولد شد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۲۹) و تا سنین نوجوانی دور از خانواده زیست (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۷)، از نخستین دیدار، مورد توجه آزر قرار گرفت (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۱۱)، به گونه‌ای که او را واسطه برکت در زندگی خویش دانست و به همراهی وی در تداوم مقام بت‌سازی در خاندان خویش امیدوار گشت (همان).

ابتلائات اجتماعی

قرآن کریم زندگی انسان را آمیخته به ابتلا می‌داند و سیر تکاملی انسان‌ها در دامنه رخدادهای زندگی و تعامل با آنها را یادآور می‌شود. برابر آیات قرآن، دعوت پیامبران همواره با مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها پاسخ داده شده و مشرکان با وجود شکست در مقابل براهین انبیا در صدد انکار حق برآمده و به مقابله با ایشان برخاسته‌اند (ر.ک: نساء: ۱۵۷؛ هود: ۵۴). این مخالفت‌ها و پیامد آنها، بستری برای آزمون پیامبران می‌گستراند؛ چراکه نبی محب ذات خداست و به همه اوصاف و افعال او ارادت می‌ورزد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۵۵) و بدان جهت که خلق خدا (درستکار یا خطاکار) بر فطرت توحیدی آفریده شده‌اند،^۷ برای او شایان مهرورزی هستند؛ لذا تا زمانی که فطرت ایشان را کاملاً از دست‌رفته نبیند از هیچ تلاشی در شکوفایی آن دریغ نمی‌ورزد. این محبت سبب می‌شود تا مشاهده سقوط روح الهی مردم گرفتار شرک، برای پیامبری که با دیده حقیقت‌بین به هستی می‌نگرد و عقوبت ناشی از سخط الهی را به‌خوبی درک می‌کند، بسیار رنج‌آور باشد. اشاره قرآن بر شدت اشتیاق پیامبر اکرم ﷺ به هدایت مردم و تألم عمیق از حق‌ناپذیری آنان (ر.ک: کهف: ۶؛ فاطر: ۸؛ توبه: ۱۲۸) نشانگر محنت ناشی از مقتضیات رسالت است و درد و اندوه پیامبران از گمراهی امتشان را یادآور می‌شود. براین‌اساس تحمل رنج ناشی از دعوت و هدایت مردمی جاهل، خودفریب و حق‌گریز، آزمونی برای پیامبران در مسیر رسالت ایشان به شمار می‌رود. امام صادق ﷺ می‌فرماید:

وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَيَأْتِي قَوْمَهُ فَيَقُومُ فِيهِمْ بِأَمْرِهِمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى تَوْحِيدِ اللَّهِ وَمَا مَعَهُ مَبِيتٌ لَيْلَةً فَمَا يَتْرُكُوهُ يَفْرَعُ مِنْ كَلَامِهِ وَلَا يَسْتَمِعُونَ إِلَيْهِ حَتَّى يَقْتُلُوهُ وَإِنَّمَا يَبْتَلِي اللَّهُ عِبَادَهُ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ؛ و پاره‌ای دیگر نزد قوم خود آمده، آنان را به اطاعت خدا فرمان می‌دادند و به سوی توحید الهی دعوت می‌نمودند و با این حال قوت یک شب نداشتند که سدّ جوعی کنند (یا اینکه قومشان آنان را یک شب مهلت نمی‌دادند) و دست از آنان بر نمی‌داشتند که سخن آنها تمام شود و گوش به ندایشان نمی‌دادند تا اینکه دست به کشتار آنها می‌زدند. و راستی که خدای تعالی بندگان خود را به اندازه قدر و منزلتی که نزد او دارند مورد ابتلا و امتحان قرار می‌دهد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹).

این فرمایش حاکی از ابتلای پیامبران از جمله ابراهیم ﷺ به قوم جاهل و ستیزه‌گر است؛ چنان‌که در سیر تدریجی دعوت ابراهیم ﷺ هر کنشی از جانب قومش، زمینه بروز ابتلائی در حوزه رسالت او و گزینش واکنش مدبرانه وی را فراهم آورده است. از این‌رو ابتلای ابراهیم ﷺ به قومی حق‌گریز را می‌توان ابتلای پایه، و ابتلائات مقتضی وظیفه پیامبری ایشان را ابتلای پیرو (تبعی) دانست و چنین گفت که با تغییر زندگی آرام ابراهیم ﷺ به زندگی سراسر مبارزه و جهاد، ابتلای برای وی شکل گرفته و حلم‌مداری وی

رویداد مؤلفه‌های ابتلا را به‌خوبی می‌نمایاند. بیان عبارت «بِإِذِ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» و افاده معنایی «وادی» بر شکاف میان کوه‌ها و محل جریان سیلاب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۶۲) و شرایط سخت زندگی همچون خشکی، بی‌حاصلی، عدم قابلیت کشت، کم‌آبی و فقدان بارش منظم (سالم، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴) و دشواری ارتباط با سرزمین‌های اطراف (پیشوایی، ۱۳۹۱، ص ۳۱-۳۲) که به خالی از سکنه بودن آن انجامیده است (ابراهیم: ۳۵) در کنار ملاحظه محرومیت ابراهیم ﷺ از فرزند تا سنین کهن سالی (ابراهیم: ۳۹)، صدور فرمان اسکان در خردسالی اسماعیل (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۵۲)، تنهایی و شکنندگی هاجر و مسئولیت‌پذیری و رادمنشی ابراهیم ﷺ به منزله پیامبر الهی و مظهر مهر و غیرت خداوندی، همگی خبر از آفرینش ابتلائی برای او می‌دهند تا تغییر شرایط وی از زندگی آرام و مهربانگیز با خانواده به هجران، خوف و ابهام، سنجه اطاعت و توکل او قرار گیرد و ضمن تعالی او در مراتب قرب الهی، تندیس از توکل (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳۸) ارائه نماید.

ذبح فرزند

ضمن تصریح آیه «إِنَّ هَذَا لِلَّهِ الْأَبْلُؤُا الْمُبِينُ» (صافات: ۱۰۶) و روایت «فَسَأَلَ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ غَلَامًا حَلِيمًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْى وَهَبَ لَكَ غَلَامًا حَلِيمًا ثُمَّ أَبْلُوكَ فِيهِ بِالطَّاعَةِ لِي» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۴) بر آزمون ابراهیم ﷺ به ذبح فرزند، تأمل بر این واقعه خود گویای مؤلفه‌های ابتلاست. قرار گرفتن ابراهیم ﷺ در شرایط امر به تغییر رفتار از مهرورزی پدرانه به قربانی فرزند، پس از محنت محرومیت از فرزند تا سنین پیری (ابراهیم: ۳۹) و تحمل فقدان فرزند با رهایی او در مکه (ابراهیم: ۳۷) و سرانجام وصال دوباره و همراهی وی در تجدید بنای خانه کعبه (بقره: ۱۲۷) و انجام مناسک حج، مهر ابراهیم ﷺ به جوان برومند (صافات: ۱۰۲) و شایسته خویش (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۵۲) را دوچندان کرده و بر دشواری فراق مجدد او می‌افزاید، چه بسا که عامل این جدایی ابدی ذبح به دست خویش باشد. علاوه بر دریافت امر الهی با مشاهده اقدام به ذبح در رؤیا (صافات: ۱۰۲) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۵، ص ۱۸۵-۱۸۶)، ظاهر خشونت‌آمیز و تأمل‌انگیز ذبح انسانی صالح، و سوسه‌های مکرر شیطان در القای شیطانی بودن این خواب (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۶۷)، در نظر آوردن رنج تحمیلی بر هاجر که بر دشواری قربانی برای ابراهیم ﷺ می‌افزود، ذبح اسماعیل به منزله ذبح همه آرزوها و دعا‌های ابراهیم ﷺ مبنی بر گسترش توحید و تداوم مسیر اوست (صادقی تهرانی، همان، ص ۱۸۵)؛ لذا در این آزمون، میزان اطاعت و سرسپردگی ابراهیم ﷺ سنجیده می‌شود و وی را به والاترین درجات تسلیم و رضا (صافات: ۱۰۳) می‌رساند.

بت‌شکنی؛ نقد عملی انکاره شرک

برابر آیات قرآن، شیوه پیامبران در دعوت مردم و استفاده از ابزارهای متناسب با شرایط جامعه امری اقتضائی است (ر.ک: طه: ۲۹ و ۳۰). گزینش شیوه پرمخاطره بت‌شکنی توسط ابراهیم ۱ در جامعه‌ای مملو از خدایان متعدد، زندگی وی را دستخوش تغییر قرار داد و آزمون برای سنجش میزان خطرپذیری ابراهیم ۱ در تبلیغ فراهم آورد. ابراهیم ۱ به رغم آگاهی از اینکه شهرت وی در نکوهش بت‌پرستی (انبیاء: ۵۲) و عدم حضور در میان قوم (صافات: ۸۸-۹۰) به شناسایی زود هنگام او می‌انجامد و مجازاتی سهمگین در پی خواهد داشت، به این تغییر تن سپرد و عافیت خود را رهین تنبه احتمالی قومش ساخت. لذا وی با نشان دادن صدق پیامبری، مراتبی از کمال را درنوردید.

رویارویی با طاغوت زمانه

طاغوت از جمله عوامل ظلم و انحراف در جامعه است که با استفاده از نادانی، پراکندگی و ستم اجتماعی، حاکمیت خویش بر مردم را بنا می‌نهد و با ژرف‌نمایی اسباب گمراهی، به استحکام پایه‌های آن می‌پردازد (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۲۰۹). از این رو یکی از موانع جدی در هدایت بخشی انبیا، طاغوت زمان ایشان بوده که مبارزه با آنها از اهداف مهم بعثت پیامبران (نحل: ۳۶) به شمار می‌رود. شیوه بازخوانی قرآن از احتجاج نمرود و ابراهیم ۱ از این قرار است:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (بقره: ۲۵۸).

این بیان نشان‌دهنده شاکله فکری و منش طاغوتی نمرود است. افزون بر دلالت نامه امام علی ۱ به معاویه (فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، وَأَبْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا، وَلَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرُنَا، وَإِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِنَبْتَلِيَ بِهَا، وَقَدْ أَبْتَلَانِي اللَّهُ بِكَ وَأَبْتَلَاكَ بِي، فَجَعَلَ أَحَدَنَا حُجَّةً عَلَى الْآخَرِ؛ خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده، و مردم دنیا را در آن به آزمایش نهاده تا معلوم دارد کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند، و نه ما را به کوشش در آن فرموده‌اند. ما را به دنیا آوردند تا در آن آزموده شویم، و همانا خدا مرا به تو آزمود و تو را به من آزمایش نمود، و یکی از ما را حجت دیگری مقرر فرمود) (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۶) و تصریح به مبتلا بودن ایشان به طاغوت زمانه، که نشانی بر ابتلای هر مصلح الهی با طاغوت است، یادکرد قرآن و روایات از رویارویی نمرود و ابراهیم ۱، گویای دشواری این احتجاج

در مقابل عناد قومش و رنجوری او از هلاکت خطاکاران (هود: ۷۵) در کنار منفعت طلبی (عنکبوت: ۱۷)، رابطه‌محوری (عنکبوت: ۲۵) و تعصب (انبیاء: ۶۵) قوم وی بر دشواری آن افزوده است. بدین‌سان خداوند میزان دغدغه ابراهیم ۱ برای تحقق آرمان‌های الهی را سنجیده و این سنجش به سیر او در مقامات الهی انجامیده است.

ابتلائات ابراهیم ۱ در حوزه رسالت وی، متناسب با اقتضائات جامعه در مسیر مبارزه با شرک و کارگزاران آن تبلور یافته که برخی از آنها بدین قرارند:

اعلان برائت؛ نقد نظری انکاره شرک

در روایت آمده است:

لو أراد الله بأنبيائه حيث بعثهم أن يفتح لهم كنوز الذهبان و... لفعل ولو فعل لسقط البلاء وبطل الجزاء واطمحل الابتلاء؛ اگر خداوند می‌خواست که آنگاه که پیامبرانش را مبعوث ساخت گنجینه‌های طلا و معادن زر ناب را در اختیار آنان گذارد... و اگر چنین کرده بود آزمایش و پاداش از میان برداشته می‌شد و اعطای اجر و ثواب به آزمایش‌شدگان و مؤمنین ضرورت پیدا نمی‌کرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۴۱).

این روایت بر اعطای جزا در مقابل موفقیت در ابتلا دلالت دارد؛ لذا اختصاص جزا به ابراهیم ۱ پس از رویدادی در سیر زندگی و دعوت وی، احتمال ابتلا بودن آن واقعه را مطرح می‌کند. از این رو ایتای نسلی هدایت‌یافته به ابراهیم ۱ در مقابل برائت‌طلبی وی (زخرف: ۲۸؛ انعام: ۸۴)، می‌تواند نشانه‌ای بر ابتلا بودن آن باشد؛ چنان‌که مؤلفه‌های ابتلا نیز در این رویداد قابل بازیابی‌اند. اعلام برائت ابراهیم ۱ از مظاهر شرک، به معنای نفی شالوده اعتقادی-اجتماعی و گسستن همه پیوندهای عاطفی و اجتماعی بود که زندگی محترمانه و توأم با محبوبیت وی را به طرد اجتماعی و محرومیت از امکانات شهروندی تغییر داد (مؤلفه تحول‌آفرینی) و میزان جان‌فشانی وی در تحقق امر الهی را آزمود (مؤلفه سنجش). انتخاب شرایطی پرمخاطره با وجود ضعف اجتماعی (ناشی از طردشدگی از آزر و انزوای اندک موحدان) در جامعه‌ای که پرستش خدایان متعدد چون اجرام آسمانی (انعام: ۷۶-۷۸)، پادشاهان (بقره: ۲۵۸) و بت‌ها (شعراء: ۷۱) رواج داشت و ابطال مرحله به مرحله معبودان متعدد و ایستادگی در مقابل تخویف‌ها (انعام: ۸۰) را می‌طلبد، با در نظر گرفتن آمیختگی باورها با منافع مردم (عنکبوت: ۲۵)، بهانه‌جویی بت‌پرستان و استکبارطلبی طاغوتیان، اعلان برائت از شرک را به منزله ابتلایی برای ابراهیم ۱ می‌نمایاند که به تعالی وی با کسب شایستگی اصطفا‌ی الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۲۶) انجامیده است (مؤلفه تکامل).

تبعید: گسست پیوندهای اجتماعی و عاطفی

آن‌سان که روایت امام صادق^ع بر تبعید ابراهیم^ع از جانب نمرود اشاره دارد، پس از نجات ابراهیم^ع از آتش، حکومت تنها راه حفظ موجودیت خویش را ممانعت از حضور او در میان قوم یافت و شرایطی را طراحی کرد تا ابراهیم^ع وادار به مهاجرت شود. یادکرد از آیات هجرت جبرآمیز ابراهیم^ع در سوره عنکبوت با سیاق بیان سنت ابتلا و مظاهر آن (جوادی آملی، جلسه ۷ سوره عنکبوت) و دلالت آیه ۱۵۵ سوره بقره بر آزمون‌بودگی خوف و نقص، بیانگر ابتلای ابراهیم^ع به تبعیدی توأم با ترس‌ها و محرومیت‌هاست. تحلیل شرایط فراروی ابراهیم^ع نیز بازتابی از مؤلفه‌های ابتلاست: تغییر جغرافیای زندگی ابراهیم^ع با توجه به موقعیت ممتاز زادگاه وی به لحاظ جغرافیایی، اقتصادی، امنیتی و تمدنی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۳) و شداید تبعید، چون گسستگی پیوندها، علایق قومی و اجتماعی، تردیدها، خطرها و هراس‌ها، شرایط دشواری را پیش روی او قرار می‌دهد؛ چنان‌که پیامبر اکرم^ص می‌فرماید: «والهجرة هجرتان هجرة الحاضر وهجرة البادی... وأما الحاضر فهو أعظمهما بلیة وأعظمهما أجراً؛ هجرت دو گونه است: هجرت آبادی‌نشین و هجرت بیابان‌نشین... و هجرت آبادی‌نشین رنج و مشقتش بیشتر و اجرش برتر است (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۰). در این فرمایش، بنا به دلالت لفظ «بلیه»، هجرت از سرزمین آباد، ابتلایی بزرگ است. بسا هجرت اجباری که در آن غم چشم‌پوشی از ثمرات رنج رسالت و نگرانی از گمراهی قوم تازه‌هشیار موج می‌زند؛ تضمینی برای تأمین همراهان وجود ندارد و مخاطبان آشنایی برای دعوت متصور نیست، به مراتب از هجرت اختیاری دشوارتر است. با این وجود تن‌سپاری ابراهیم^ع به تبعید و عدم نفرین قوم، حلم و ایثار او در اطاعت حق را نشان داد و تعالی وی در مقامات کمال و نمادینگی در صبر و اخلاص را به دنبال داشت.

تاریخ‌گذاری کلمات

افزون بر آنکه به دلیل کارکرد تعالی‌بخش ابتلا، چینش ابتلائات ابراهیم^ع بر اساس ترتیب تاریخی وقوع آنها، تصویر کلی سیر تکاملی-تدریجی وی را به دست می‌دهد، زمان پدیداری ابتلائات در درک جنبه آموننی و شدت ابتلائات مؤثر است؛ چنان‌که توجه به جغرافیای ابتلائات نیز درک بهتر آن را میسر می‌سازد: تغییر مکان ابتلائات ابراهیم^ع پس از ابتلا به تبعید، از سرزمین بابل (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۶) به مکه (ابراهیم، ۳۷) و مقایسه شرایط زیستی و تمدنی این دو منطقه گویای سیر رو به دشواری ابتلائات اوست. در این بخش، ترتیب احتمالی ابتلائات حضرت ابراهیم^ع را بر اساس قرائن نقلی و عقلی بررسی می‌کنیم.

و اخبار از مؤلفه‌های ابتلا با تغییر حوزه تبلیغی ابراهیم^ع از ابلاغ عمومی به رویارویی با جدی‌ترین و نیرومندترین مانع هدایتگری است. نمرود، پادشاهی مقتدر، جبار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۲۴) و مدعی مقهور ساختن همه اهل زمین (همان، ج ۲۵، ص ۳۷۳) بوده که به تصریح عبارت قرآنی «أنا أحيى وأميت» ادعای الوهیت کرده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۰) و برخوردار از مُلک به طغیان او انجامیده است (همان، ص ۳۵۲). ملاحظه تقدس ناشی از ربوبیت نمرود، سیطره سیاسی-فرهنگی-اقتصادی، گستردگی و اقتدار حکومت او، انزوای اندک موحدان جامعه و عدم برخورداری ابراهیم^ع از حمایت خانوادگی-اجتماعی (مریم، ۴۶)، نشان از فراخوانی ابراهیم^ع به چالشی جدی با مظهر باطل دارد و نمرود را در جلوه ابتلائی برای وی می‌نماید؛ چنان‌که میزان صلابت و پایداری ابراهیم^ع در ابلاغ حق آزموده شده و صدق و توکل او را جلوه‌گر ساخته و در منازل کمال تعالی بخشیده است.

افکنده شدن در آتش

افکنده شدن ابراهیم^ع در آتش، مصداقی از ابتلائات نام‌برده در آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۵۵) و روایت «إن فی الجنة منزلة لا يبلغها عبد إلا بالابتلاء فی جسده» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۶۳۹) است. به‌علاوه قرار گرفتن داستان آتش انداختن او در سوره عنکبوت با سیاق بیان سنت ابتلا و ذکر مصداقی از آن در میان امتحانات اقوام و پیامبران‌شان (جوادی آملی، درس ۷ سوره عنکبوت)، گواهی بر ابتلای ابراهیم^ع به افکنده شدن در آتش است. ترسیم شرایط ابراهیم^ع در این زمان نیز تداعی‌کننده مؤلفه‌های ابتلاست. یادکرد قرآن از آتش با لفظ «الجحیم» که بیانگر عظمت و شدت آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۷) و ساخت بنایی آتش‌اندود (صافات: ۹۷) چنان‌که برای انداختن ابراهیم^ع در آن، ناگزیر به استفاده از منجنیق شدند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۱۳)، در کنار مقدس‌نمایی انتقام از ابراهیم^ع و تحریک عواطف مذهبی مردم (انبیاء: ۶۸)، مشارکت گسترده آنان (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۳۲) و تهدید و تطمیع آزر پیش از انداختن ابراهیم^ع (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۷۲) نشانه تلاش حکومت برای ارعاب او و ایجاد دوراهی انتخاب هلاکت در آتش یا اظهار پشیمانی است. از این رو تغییر زندگی ابراهیم^ع به سلب حق حیات از او، سنجه شکیبایی و استقامت وی در مسیر هدایتگری قرار گرفت و راهیابی به مقام خلیل‌اللهی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۴) را به ارمغان آورد.

برائت از آزر

با توجه به اتفاق نظر بیشتر مفسران شیعه در رخداد ابتلائات پس از نبوت (برای نمونه، طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۶)، نخستین ابتلای دوران پیامبری ابراهیم علیه السلام می‌تواند مقارن با آغازین مراحل دعوت باشد. دعوت آزر در راستای تحقق نبوت ابراهیم علیه السلام صورت گرفته است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص ۳۲۹)؛ لذا بر اساس شیوه هدایتی قرآن در آغاز دعوت با بیانی ملایم (طه: ۴۴) و سنت تبلیغی انبیا در آغاز دعوت از نزدیکان (شعراء: ۲۱۴)، می‌توان بیان لطیف ابراهیم علیه السلام در دعوت اختصاصی او از آزر را (مریم: ۴۱-۴۷) حاکی از آغازین مرحله دعوت ابراهیم علیه السلام (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۶۹) و نخستین ابتلای او در دوران پیامبری دانست؛ چه آنکه قرآن بر احتجاجات شدیداللعن ابراهیم علیه السلام (انعام: ۷۴) و برائت‌جویی از آزر (توبه: ۱۱۴) نیز اشاره دارد. وانگهی نسبت خانوادگی ابراهیم علیه السلام با آزر و تأثیر منزلت وی در ایمان‌آوری یا شبهه‌افکنی مشرکان، اولویت ابتلای ابراهیم علیه السلام به آزر را یادآور می‌شود.

برائت نظری از بت‌پرستی

سیر آیات بیانگر دعوت ابراهیم علیه السلام (انعام: ۷۴-۸۲)، تقدم ابتلا به اعلام برائت از مشرکان نسبت به اقدامات تبلیغی وی را نشان می‌دهد. لازمه عقلی فرایند تبلیغ نیز ارائه برهان و نقد نظری انگاره بت‌پرستی پیش از هر گونه اقدام عملی را ایجاب می‌کند.

بت‌شکنی؛ حذف نمادهای شرک

بر اساس سیاق آیات متضمن بت‌شکنی ابراهیم علیه السلام (انبیاء: ۵۷-۶۷)، نخستین اقدام عملی ابراهیم علیه السلام در نقد و حذف نمادهای شرک سومین ابتلای وی به شمار می‌رود.

رویارویی با حاکمیت شرک

تفاسیر فریقین، ابتلای ابراهیم علیه السلام به طاغوت زمانه را در دو بازه زمانی پیش (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۱۵) و پس از افتادن در آتش (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۷۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۲۵۸-۲۵۷) بررسی کرده‌اند. مفسرانی که زمان احتجاج را پس از به آتش افتادن ابراهیم علیه السلام می‌دانند، به دلایلی چون گمنامی ابراهیم (جوادی آملی، همان)، شتابزدگی مردم برای مجازات وی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۰) و نبودن ابراهیم علیه السلام در مقام ابطال ربوبیت

نمرود (در محکمه مجازات شکننده بت‌ها) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۷۸) تمسک بسته‌اند؛ لکن افزون بر عدم اثبات گمنامی ابراهیم، عطف شتابزدگی بر تعیین مجازات نه اجرای آن، لزوم زمان برای تمهید آتش مورد توصیف قرآن و ملاحظه بطلان خدایی بت‌ها در ذیل ابطال ربوبیت نمرود، با توجه به استحضار نمرود بر ربوبیت‌پنداری خویش (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۲۵۲)، احتجاج با ابراهیم علیه السلام پس از تجلی حمایت الهی از وی با نجات از آتش موجه نمی‌نماید؛ چراکه هر واکنش نسنجیده‌ای سبب تضعیف حکومت او می‌شد. شیوه مقابله طاغوتیان با مصلحان دینی پس از برتری آنان در عرصه مبارزه (ر.ک: غافر: ۲۶) نیز تلاش بر حذف ایشان از جامعه بوده است. لذا به احتمال قوی، ابتلا به طاغوت پیش از افتادن ابراهیم علیه السلام در آتش رخ داده است.

مجازات

بنا بر سیاق آیات بیانگر سیر مبارزات ابراهیم علیه السلام (انبیاء: ۵۸-۶۸)، انداخته شدن وی در آتش، پیامد شکستن بت‌ها بوده است.

تبعید

بر اساس آیات قرآن (انبیاء: ۷۱؛ عنکبوت: ۲۶) و روایاتی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۱۶) که به شرح دعوت ابراهیم علیه السلام پرداخته‌اند، وی پس از نجات از آتش تبعید شد.

رهایی خانواده

بشارت اجابت دعای ابراهیم علیه السلام مبنی بر طلب فرزند پس از ترک سرزمین بابل (صافات: ۱۰۰-۱۰۱) و صدور فرمان ذبح فرزند در زمان نوجوانی به استناد آیه «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ» (صافات: ۱۰۲) و افاده مفهوم بلوغ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۰۶) در واژه «سعی»، نشان می‌دهد که رها کردن خانواده در بیابان پس از تبعید و در زمان کودکی اسماعیل بوده است.

ذبح فرزند

برابر روایات، فرمان ذبح اسماعیل پس از تجدید بنای کعبه و امر به انجام مناسک حج و در مشعر بر ابراهیم علیه السلام عرضه شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵). نظر به توانایی اسماعیل برای معاونت در بنای کعبه، ابتلا به ذبح فرزند واپسین ابتلای ابراهیم علیه السلام بوده است.

نتیجه‌گیری

رویکردهای مفسران در تبیین کلمات در آیه ابتلای ابراهیم ۱۱۱ به دو رهیافت روایی و اجتهادی تقسیم‌پذیر است. رهیافت روایی به دلیل کاستی‌های اسنادی و دلالتی، در ارائه معیار برای تشخیص مصادیق ابتلائات ابراهیم ۱۱۱ ناکاراست؛ اگرچه منبعی شایسته در شناخت آرای جریان‌های متنوع تفسیری در تاریخ تفسیر به شمار می‌رود. در رویکرد اجتهادی، مفسران شیعه با استناد به روایات اهل بیت ۱۱۱ و اجتهاد تفسیری هر دو وجه فعلی و لفظی بودن کلمات را پذیرفته‌اند؛ لکن در مدرسه تفسیری اهل سنت، شاهد سه رهیافت گزارش، گزینش و پذیرش عام اقوال صحابه و تابعان در سنخ فعلی کلمات هستیم. بر پایه این رهیافت ابتلائات ابراهیم ۱۱۱ ناظر بر رخدادهای زندگی اوست که مواردی چون اجرام آسمانی، افتادن در آتش، احتجاج با نمرود، مهاجرت، سنن طهارت و مناسک حج را شامل می‌شود.

نظر به بسامد مستندات روایی، هماهنگی با سیاق قرآنی، شهرت تفسیری و توجیه‌پذیری با مقام امامت، رهیافت اجتهادی فعلی بودن کلمات به‌عنوان رهیافت معیار در تبیین کلمات پذیرفته شد. بر اساس تعریف معیار مقاله از مفهوم ابتلا و مؤلفه‌های آن، انواع کلمات در دو قلمرو فردی و اجتماعی قابل بازشناسی است. گونه‌های ساحت فردی ابتلائات ابراهیم ۱۱۱ عبارت‌اند از: ابتلا به آزر، رهایی خانواده در بیابان مکه و ذبح فرزند. ابتلائات اجتماعی نیز عبارت‌اند از: ابتلا به اعلام برائت، بت‌شکنی، طاغوت زمانه، افکنده شدن در آتش و تبعید. برابر قراین نقلی و عقلی، به نظر می‌رسد ترتیب وقوع ابتلائات ابراهیم ۱۱۱ به صورت ابتلا به آزر، اعلام برائت، بت‌شکنی، طاغوت زمانه، افکنده شدن در آتش، تبعید، رهایی خانواده در بیابان مکه و قربانی فرزند بوده است. از این تاریخ‌گذاری برمی‌آید که ابتلائات ابراهیم ۱۱۱ به شکل موازی در دو ساحت فردی و اجتماعی روی داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ جَبْرَيْلَ آتَى إِلَى سَبْعِ كَلِمَاتٍ وَهِيَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ - وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ - يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَبَّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا قَرِيبًا...» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۴۸).
۲. امام صادق ۱۱۱ «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبَّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَقَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنْ لَمْ تَنْتَ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ يَعْنِي فَأَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ ﷺ إِنَّنِي عَشْرُ إِمَامًا تَسْعَةٌ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ...» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۰۵).
۳. عن ابن عباس قال الكلمات إني جاعلك للناس إماماً وإذ يرفع إبراهيم القواعد والآيات في شأن المنسك والمقام الذي جعل لإبراهيم والرزق الذي رزق ساكنو البيت وبعث محمد في ذريتهما (سيوطي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۲).
۴. عن ابن عباس قال الكلمات التي ابتلى بها عشر ست في الإنسان وأربع في المشاعر فاما التي في الإنسان فحلق العانة وتنف الإبط أو الختان وتقليم الأظفار وقص الشارب والسواك وغسل يوم الجمعة والاربعاء التي في المشاعر الطواف بالبيت والسعي بين الصفا والمروة ورمي الجمار والإفاضة (همان، ص ۱۱۱).
۵. مانند: أَبِي جَعْفَرٍ ۱۱۱ «إِنَّمَا يَبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرٍ دِينَهُ - أَوْ قَالَ - عَلَى حَسَبِ دِينِهِ» (كليني، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۶۳۷). برای نمونه، رک: كليني، همان، باب شده ابتلاء المومن.
۶. مطابق نظر اکثر مفسران شیعه و مفاد برخی روایات، آزر یکی از خویشان ابراهیم ۱۱۱ (عمو یا جد مادری) بوده است (برای نمونه: طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۶۲ - ۱۶۸).
۷. «جَابِلُ الْقُلُوبِ عَلَيَّ فَطَرْتَهَا شَقِيحًا وَ سَعِيدَهَا» (شريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۱۰۰).
۸. «... ثُمَّ قَدَفَ إِبْرَاهِيمَ ۱۱۱ فِي النَّارِ لِتَحْرِيقِهِ، ثُمَّ اعْتَزَلُوهَا حَتَّى خَمَدَتِ النَّارُ، ثُمَّ أَشْرَفُوا عَلَيَّ الْحَيَّرِ، فَإِذَا هُمْ بِإِبْرَاهِيمَ ۱۱۱ سَلِيمًا مُطْلَقًا مِنْ وَقْفِهِ، فَأَحْبَرَ نُمْرُودٌ حَبْرَهُ، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْفُوا إِبْرَاهِيمَ ۱۱۱ مِنْ بِلَادِهِ...» (كليني، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۱۵).

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آصفی، محمد مهدی، ۱۴۱۹ق، «الكلمات الابراهيميه العشر في القرآن الكريم»، *المنهاج*، ش ۱۰، ص ۹۴-۱۱۵.
- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، چ چهارم، تصحیح: محمود محمد طناحی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن حنبل، احمد، بی تا، *مسند*، بیروت، دار صادر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التئویر*، بی جا، بی نا.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۴ق، *مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر*، تحقیق: ریاض عبدالحمید مراد، دمشق، دار الفکر.
- ، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن واضح یعقوبی، احمد، ۱۳۸۷، *تاریخ یعقوبی*، چ دهم، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق: صادقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
- الارمی، محمد امین بن عبدالله، ۱۴۲۱ق، *حدائق الروح و الریحان فی روای علوم القرآن*، بیروت، دار الطوق النجاة.
- اسعدی، محمد، ۱۳۸۹، «تبیین امامت قرآنی به مثابه مقامی مستقل از نبوت با تأکید بر آیه ابتلا»، *قرآن‌شناسی*، سال سوم، ش ۶، ص ۱۹۳-۲۰۸.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، چ دوم، تصحیح: جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- بلاغی نجفی، محمد جواد، ۱۴۲۰ق، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق: واحد تحقیقات بنیاد بعثت، قم، بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۰، *باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*، چ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار

احیاء التراث العربی.

- پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۱، *تاریخ اسلام*، چ هجدهم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *ادب فنای مهربان*، قم، اسراء.
- ، ۱۳۸۹، *تسنیم*، چ دوم، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
- ، ۱۳۷۹، *تفسیر موضوعی قرآن کریم* (فطرت در قرآن)، چ دوم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، بی تا، *الصحاح*، تصحیح: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الإسناد*، تصحیح: مؤسسه آل‌البیت، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- دغیم، سمیع، ۱۹۹۸م، *موسوعه مصطلحات علم الکلام الاسلامی*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۰، «آیه ابتلاى ابراهیم»، *دانشنامه کلام اسلامی*، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق.
- رشید رضا، محمد، ۱۳۶۶ق، *المنار*، چ دوم، ج ۱، قاهره، بی نا.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، چ پنجم، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
- زحلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، چ دوم، بیروت، دار الفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سالم، عبدالعزیز، ۱۳۸۶، *تاریخ قبل از اسلام*، چ سوم، ترجمه: باقر صدری نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شبر، عبدالله، ۱۴۱۲ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغة*، تصحیح: صبحی صالح، قم، هجرت.
- شفیع‌زاده، مرضیه، بهارزاده، پروین و فتحیه فتاحی‌زاده، ۱۳۹۳، «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال ۴۷، ش ۱.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح القدر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چ دوم، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تصحیح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه محمدجواد بلاغی، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.

طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *نور الثقلین*، چ چهارم، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.

عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سیدهاشم رسول محلاتی، تهران، المطبعة العلمية.

فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، نشر هجرت.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، دار الهجرة.

قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۷ق، *الدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، چ چهارم، تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب.

کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۴۲۳ق، *زبدة التفاسیر*، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی.

کاشی، عبدالرزاق بن جلال‌الدین، ۱۳۷۷، *ترجمه اصطلاحات الصوفیه یا فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف*، چ دوم، ترجمه: محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.

مترجمان، ۱۳۷۷، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، چ دوم، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۰، *دانشنامه قرآن و حدیث*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____، ۱۳۸۰، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.

معارف، مجید، پروین، جلیل، ۱۳۹۱، «مفهوم امامت در قرآن با تأکید بر بررسی تطبیقی مراتب امامت و نسبت آن با نبوت در اهم تفاسیر اشاعره و شیعه امامیه»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۱۰.

مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمي لالغية الشيخ المفيد.

_____، ۱۴۱۳ق، *الأمالی*، تصحیح: حسین استادولی و علی‌اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، اهل‌بیت علیهم السلام.

نجارزادگان، فتح‌الله، ۱۳۹۰، *بررسی تطبیقی معنانشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه.

یوسفی‌مقدم، محمدصادق، ۱۳۸۶، «مدخل امتحان» *دایرةالمعارف قرآن کریم*، چ دوم، قم، بوستان کتاب مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

مرکز علوم و حیانی اسرا www.esra.ir